

ترجمه و تبیین  
مکاسب

شیخ الفقیہ مرتضیٰ انصاری (رحمة الله علیه)

جلد ششم

ترجمه و تبیین:

استاد محسن غرویان

سرشناسنامه	: غرویان ، محسن ۱۳۳۸ - مترجم و شارح .
عنوان قراردادی	: المکاسب . فارسی - عربی . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه و تبیین مکاسب شیخ الفقهاء مرتضی انصاری (رحمه الله علیه) / تبیین محسن غرویان ، محمود معتمدی
مشخصات نشر	: قم ؛ دارالفکر ، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص . ج . ۶ .
شابک دوره	: ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۵۳-۹
شابک	: ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۹۳-۵
وضیعت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق . المکاسب - نقد و تفسیر
موضوع	: معاملات ( فقه ) .
شناسه افزوده	: معتمدی ، محمود ، مترجم و شرح
شناسه افزوده	: انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق . المکاسب - شرح
رده بندی کنگره	: BP1۹۰/۱۷۱۳/الف ۸م ۷۰۲۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۲
شماره کتاب شناسی ملی	: ۱۱۳۳۴۱۴



انتشارات دارالفکر  
تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین  
آقای حاج سید محمدالحمد مولانا (ره)

## ترجمه و شرح مکاسب بیع ( جلد ششم )

مؤلف : شیخ مرتضی انصاری  
مترجم: آیه الله محسن غرویان  
ناشر: انتشارات دارالفکر  
چاپخانه: نگین - قم  
نوبت چاپ: ششم - ۱۳۹۸  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: تومان

شابک: ۵- ۹۳- ۲۶۱۱- ۹۶۴- ۹۷۸- 978-964-2611-93-5

شابک دوره: ۹- ۵۳- ۲۶۱۱- ۹۶۴- ۹۷۸- 978-964-2611-53-9

دفتر مرکزی: قم خیابان معلم ، مجتمع ناشران پلاک ۳۶  
تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴-۳۷۷۴۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴  
دفتر تهران: خیابان انقلاب ، خیابان ۱۲ فروردین ، خیابان شهدای ژاندارمری ،  
روبه روی اداره پست ، پلاک ۱۲۴ واحد یک تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۲-۶۶۴۰۸۹۲۷

www.darolfekr.com کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است info@darolfekr.com

## مقدمه کتاب

### بحثی در باب «ولّی فقیه»

الف) عده‌ای در داخل و خارج کشور ما، از این می‌ترسند که ارتباط مردم با ولّی فقیه و با رهبران سیاسی خود، ارتباط مریدی - مرادی شود. چرا؟ علت روشن است! اینان می‌دانند که چنین ارتباطی اگر بین ولّی فقیه و مردم برقرار باشد، مستحکم‌ترین ارتباط است و به سادگی نمی‌توان آن را از هم گسست. ان‌قضا ارتباط بین امت و امام در زمان معصوم علیه السلام همین‌گونه بوده است و آن همه رشد و تعالی که برای اسلام و مسلمین در صدر اسلام و در زمان حیات معصومین علیهم السلام حاصل آمد، ناشی از چنین ارتباطی بود. اگر سلمان و اباذر و مقداد و بلال و عمار یاسر و میثم تمار و ... چنین ارتباطی با مقتدا و امام خود نداشتند، هرگز نمی‌توانستند پایه‌های دین را چنان مستحکم سازند که برای همیشه تاریخ، اسلام جاودان بماند. امامان معصوم علیهم السلام، چنان مردمی ساختند که فانی در حق و حقیقت بودند و چون حق و حقیقت را در وجود پیشوایان دینی خود متجلی می‌دیدند، در مقام اطاعت و ارادت به ساحت آن امامان هیچ‌گونه شک و تردیدی به خود راه نمی‌دادند و در ظاهر و در باطن، سالکی مرید و پیروی مطیع بودند و همین است سرّ ولایت و رمز هدایت.

ب) ولّی فقیه در عصر غیبت - چنان‌که مکرّر گفته‌ایم - صدالبته که معصوم نیست،

اما کسی است که سعی می‌کند در ظاهر و در باطن، گام در جای گام‌های معصومین علیهم‌السلام بگذارد و تا آن‌جا که می‌تواند به آن حضرات نزدیک شود. هرچه او به حق و حقیقت معصومین علیهم‌السلام نزدیک‌تر شود، مردم عشق بیشتری و ارادتِ افزون‌تری به او پیدا می‌کنند، چرا که در فطرت همگان، عشق به حقیقت نهفته است و اگر در وجود کسی، آثار حق و ظهورات حقیقت را ببینند، به او عشق می‌ورزند و بالنسبه در او فانی و مستهلک می‌شوند. چه اشکالی دارد که ما جامعهٔ خویش را به سمت فنای در حق و حقیقت دعوت کنیم؟ چه اشکالی دارد که ما مردم را به سمتی هدایت کنیم که ولایت احکام الهی را بر تمام شئون و ابعاد زندگی خود درک کنند و متولی به چنین ولایتی شوند؟ ولی فقیه کسی است که اولاً خود ولایت خدا را پذیرفته است و سپس به عنوان یک مرشد و یک معلم، مردم را نیز در جهت پذیرش ولایت حق و حقیقت یعنی ولایت خدا، هدایت می‌کند.

ج) کسانی که خود نمی‌توانند در دل مردم نفوذ کنند و توانایی آن را ندارند که جایگاهی برای خود در قلوب آنان باز نمایند، دشمن ارتباط مریدی - مرادی می‌شوند. اینان اگر خود چنین ارتباطی با مردم داشتند، این‌گونه دشمنی نمی‌کردند. اینان به خوبی می‌دانند که اگر ارتباط مریدی - مرادی بین امام خمینی علیه‌السلام و بچه‌های پاک و مخلص و جوانان از جان گذشتهٔ این مرز و بوم نبود، امروز مملکت و نظام از دست رفته بود. اما باز هم تلاش می‌کنند که ارتباط ولی فقیه با مردم را در حدّ یک ارتباط ظاهری و سیاسی صرف تنزل دهند تا به اهداف خود برسند. ما نیز معتقدیم که «در این شرایط، شیعیان هم باید مثل سایر عقلاء، فکری عقلایی برای ادارهٔ جامعهٔ خود بکنند و امروزه تئوری عقلایی عبارت است از مراجعه به آراء مردم» اما همهٔ حرف ما این است که ولایت فقیه عقلایی‌ترین شیوهٔ ادارهٔ کشور اسلامی است و مردم عاقل و اندیشمند جامعهٔ ما نیز همین شیوه از حکومت را برگزیده‌اند و این بهترین

تئوری عقلایی را از بین تئوری‌های دیگر انتخاب کرده‌اند.

صرف این‌که شعار دهیم و بگوییم «تنه‌راهی که اکنون پیش روی ماست، تن دادن به یک تئوری عقلایی و مصلحت‌گرایانه در باب حکومت است»<sup>۱</sup> و یا کلی‌گویی کنیم و بگوییم «هیچ‌کس دینداران را از خردورزی و کار عقلاانه منع نکرده است و بلکه به مقتضای دینداری باید در احوال و شئون جامعه تأمل خردمندانه کنند»<sup>۲</sup> روشن نمی‌کند که بالأخره در یک جامعه دینی و اسلامی مثل جامعه ما، آیا تئوری معقول‌تری از تئوری ولایت فقیه هست یا نیست؟! -

(د) من نمی‌دانم چه اصراری است که برخی می‌خواهند به مردم چنین القاء کنند که ولایت فقیه، قداست ندارد و اصولاً سیاست - ولو در یک جامعه اسلامی - نامقدس است؟! اگر هدف این است که بگویند ولی فقیه باید انتقادپذیر باشد، باید گفت اصلاً اگر ولی فقیه خود را میرایی از خطا بداند و در ردیف معصومین بشمارد، از ولایت منعزل و ساقط است، و اما اگر مقصود این است که ولایت فقیه را در حد ریاست‌های معمول دنیا تنزل ببخشند، باید گفت تا وقتی که ولی فقیه واجد شرایط ولایت است و اولویت‌های علمی و عملی را نسبت به دیگران داراست، ولایتش بهره‌ای از قداست هم دارد و این از آثار وضعی چنین ولایتی است.

قم - محسن غروی‌ان

زمستان ۱۳۸۸

۱. همان.

۲. همان.